

(عالم اسلام)

شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع

حق حج (۲)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۰۷ / ۰۵

■ فاجعه منا، نشان دهنده بی کفایتی آل سعود است

■ حج همانند قرآن است

■ نکات قرآنی درباره حج

۱. کعبه خانه خدا است
۲. کعبه نخستین مکانی که برای عبادت وضع شد
۳. کعبه با پیامبران و حضرت ابراهیم شناخته می شود
۴. مناسک حج، شعائر الهی است
۵. کعبه، خانه مردم است
۶. همه در حج یکسان هستند
۷. مکه به همه حاجیان تعلق دارد
۸. مکه شهر امن الهی است

حضرت ولی الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به لقاء الله پیوستند. امیدواریم خداوند تبارک و تعالی همه این عزیزان را همچنان که رهبر عزیز و عالی قدرمان به زیبایی و حکیمانه فرمودند، از مصادیق این آیه کریمه قرار دهد: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» [۱] و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او، از خانه‌اش به درآید، سپس مرگش دررسد، پاداش او قطعاً بر خدا است، و خدا آمرزنده مهربان است».

موضوع بحث ما در رساله حقوق امام سجاد (علیه الصلاه والسلام) به موضوع حج رسید. قرار شد به لطف خداوند متعال، با نگاهی به آیات کریمه قرآنی، سعی کنیم به بعضی از زیبایی‌ها و اسراری که در این برنامه بزرگ و باشکوه و با عظمت است،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

فاجعه منا، نشان دهنده بی کفایتی آل سعود است

عرض تسلیت دارم به محضر مبارک حضرت بقیت الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به خاطر فاجعه بزرگی که در منا رخ داد و تسلیت به محضر رهبر عالی قدر و امت گرامی به ویژه خانواده‌های عزیز و محترمی که عزیزانشان را در این حادثه از دست دادند. خدای تبارک و تعالی همه‌ی آنها را با پیامبر اعظم و ائمه هدی (سلام الله علیهم اجمعین) محشور کند. در شرایط خیلی خوب، پاکیزه، مطهر و نورانی، بعد از قرائت مناجات سیدالشهدا (علیه السلام)، بعد از وقوف در عرفات و مشعر، در بهترین وضعیت و بهترین حال، در حضور مولایشان

اشاراتی داشته باشیم. شرایطی که پیش آمد و حوادثی که رخ داد، باعث می‌شود مقداری بیشتر در مورد حج تأمل کنیم. البته در حادثه‌ای که رخ داد، از بی‌کفایتی و بی‌لیاقتی آل سعود رونمایی شد. گویا پشت پرده این اتفاقات دست‌های پلیدی است که می‌خواهد به یکی از ارکان اصلی و پرچم رفیع اسلام آسیب بزند، شبهه تولید کند، آن را زیر سؤال ببرد و در حاشیه قرار دهد. به هر حال آنچه رخ داد باعث شد این جماعت خائن و پلید و حقیقتاً ناتوان و گرفتار شهوات و خواهش‌های نفسانی که بر سرزمین‌های مقدس به ناحق حکمرانی می‌کنند، بیشتر در جهان اسلام شناخته شوند. امیدواریم این خون‌های پاک ریخته‌شده و نفس‌هایی که در آن ازدحام حبس شد و فاجعه‌ای که رخ داد، در برداشتن این مانع بزرگ از سر راه مسلمانان جهان تسریع کند. همچنین امیدواریم

خداوند تبارک و تعالی به لطف و کرمش و با دست‌های توانمند ولی‌اش، حضرت بقیت الله الاعظم (عجل الله فرجه الشریف) جبران کند و با بصیرت و روشن‌بینی مسلمانان جهان، ان‌شاءالله در برداشتن این موانع از یک سو، و بهره‌مندی مؤمنین از منافع حج از سوی دیگر، تسریع شود و ما روزهای خوبی را شاهد باشیم که با فرا رسیدن آن روزها، دل‌های داغدار امت اسلامی و مؤمنین، مخصوصاً خانواده‌های عزیز این انسان‌های به‌مقصد رسیده، التیام پیدا کند و آرام شود. خون بابرکت آنان موجب تسریع در با بصیرت شدن مردم ما و پرده‌افکنی از چهره پلید این خاندان غاصب برای مردم و مسلمانان عالم شد.

حج همانند قرآن است

امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق فرمودند: «حق

کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است». یک تشبیه بسیار زیبا که حج بسان قرآن است و اینکه شناخته نشده است با همه اسرار و رموز و حکمت‌هایی که در آن نهفته است. وقتی به قرآن کریم مراجعه می‌کنیم، از جمع‌بندی آیاتش درباره حج به دست می‌آید که حج یک تعبیه تاریخی و بسیار دقیق برای روشن ماندن چراغ توحید در جامعه بشریت است و خداوند تبارک و تعالی حج را همپای انسان قرار داده است. شاید جالب باشد که مجموعه این آیات تلاش می‌کنند که به ما یادآوری کنند حج همزاد آدم است و درست وقتی که آدم به زمین می‌آید، همانجا تأسیس خانه خدا و کعبه معظمه بر عهده او گذاشته می‌شود. مؤسس حضرت آدم علیه السلام است که پدر ارجمند ما است. از همان زمان حج آغاز می‌شود و امتدادش را

حج این است که بدانی حج عبارت است از رفتن به مهمانی پروردگار و اینکه به سمت خدا می‌گریزی از گناهانت و بدان که به واسطه حج، توبه تو پذیرفته می‌شود و به وسیله آن، آنچه خدا بر تو واجب کرده بود، می‌توانی انجام دهی».

امام راحل، عارف و عظیم الشان که حقیقتاً حکمت ناب از بیانات ایشان می‌جوشد، فرمودند: «حج بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و دردآشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت، رشد، حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال و معرفت آن سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به

گفته می‌شود که در آن ریشه و اصالت است، رشد است، گرما است، دلبستگی و صمیمیت است. جالب است که خدای متعال در قرآن کریم به این کلمات اکتفا نکرده است و با تعبیر بسیار نزدیک و صمیمی، از عمق زیبایی‌ها و عظمت و شکوه و در عین حال صمیمیتی که در این قطعه از زمین تعبیه شده، پرده برداری می‌کند و آن کلمه «بیت» است: «وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» [۳] و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که: خانه مرا برای طواف‌کنندگان و معتکفان و رکوع‌کنندگان و سجودکنندگان پاکیزه کنید». مؤمنین به طواف دعوت می‌شوند، به حضور، به نماز، در کجا؟ در جایی که عبارت است از خانه خدا که آن را با تعبیر «بیت» یاد می‌کند. فکر نمی‌کنم درباره عظمت کعبه چیزی بالاتر از این بشود

کاملاً طراحی شده و بسیار دقیق مشاهده می‌کنید.

نکات قرآنی درباره حج

۱. کعبه خانه خدا است

اولین نکته که نکته‌ای بسیار دلپذیر و حقیقتاً دوست‌داشتنی است، این است که قرآن کریم کعبه را با عنوان خانه خدا معرفی می‌کند که بعد هم ما تعمیم‌یافته‌اش را در قالب مساجد داریم. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنَا» [۲] و [به یاد آرید] زمانی که این خانه را محل اجتماع مردم و جایگاه امن قرار دادیم». به جایی که در آن بیتوته می‌شود، اقامت می‌شود، در آن انس است، گرما است، صمیمیت است، تعلق است، دلبستگی است، «بیت» گفته می‌شود. به هر جایی که صرف اینکه اقامتگاه باشد، بیت گفته نمی‌شود؛ بلکه بیت به جایی

۲. کعبه نخستین مکانی که برای

عبادت وضع شد

کعبه نماد ارتباط و پیوند با حضرت حق در محیط عنایت و لطف و توجه او است. در آنجا نسبت ویژه‌ای با ولی خدا پیدا می‌شود که ولی خدا نماد آن در ارتباط با حج و خانه خدا می‌شود. ابراهیم (علیه السلام) و قبل آن حضرت آدم (علیه السلام) است و نسبت آنها با شما که نسبت پدر است و با وجود پدر و مادر است که بیت و آن ریشه و اصلت - که اصلت توحیدی، فطری و الهی است - یادآوری می‌شود. ضمناً به ما یادآوری می‌کنند اولین نقطه‌ای که در زمین تعبیه شد، کعبه است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»؛ [۵] در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم، نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک، و برای جهانیان [مایه] هدایت است». خداوند

گفت. «خانه‌ی من»، خداوند متعال این طور تعبیر می‌کند و به حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل مأموریت می‌دهد که بیتش را آماده سازند، یعنی تمیز و مرتبش کنند برای بندگان؛ برای آنهایی که می‌خواهند برای اعتکاف، نماز، سجده و دعا در آنجا حضور پیدا کنند. کلمه «بیت» در کنار واژگانی چون «البیت» و تعبیرهای مشابه دیگر، از جایگاه ویژه این مکان مقدس برای شکل‌گیری منظومه فکری و زندگی و عمل توحیدی در بین بشریت حکایت دارد. تعابیر بسیار زیبای دیگری در قرآن کریم در این باره وجود دارد؛ مخصوصاً تعبیر «بیت عتیق»، [۴] که نشان می‌دهد خانه خدا از هر تعلق و نسبتی آزاد شده و رها است؛ بنابراین خانه او، می‌شود خانه همه مردم و متعلق به همه است.

می‌شود که قلبش کعبه و بیت الله قرار گرفته است، یا وسیع‌تر از این است؟ بعضی از محققین اسلامی گفته‌اند که همه مکه مسجد الحرام و دارای حرمت خاص است؛ ولی بزرگان ما و اساتید فن بر اساس دقایقی که در این موضوع وجود دارد، می‌گویند همین مکان تعریف‌شده مسجد الحرام است؛ البته محیط پیرامونی این مسجد مقدس نیز حرم امن است و مناطقی از شهر مقدس مکه، از جمله سرزمین مقدس منا و عرفات و مشعر نیز جزء همان حرم تعریف می‌شوند. پس حرم یک نقطه تعیین و تعریف و مشخص شده است.

۳. کعبه با پیامبران و حضرت ابراهیم شناخته می‌شود

نکته دیگر اینکه قرآن کریم اصرار دارد همه باخبر شوند که این خانه «أَوَّلَ بَيْتٍ» است و به دست حضرت آدم بنا

متعال خانه خود را معرفی می‌کند تا به ما بگوید که اصالت زمین توحیدی است و هر شرکی، اضافی و انحراف است. زمین برای توحید، پرستش حضرت حق و بندگی خداوند متعال قرار داده شده، علامتش کعبه است. پس کعبه یادآور اصالت زمین است و نشان می‌دهد که این زمین و کره خاکی، فقط و فقط برای عبادت حضرت حق و بندگی خالص به درگاه حضرت حق آفریده شده است.

قرآن با تغییر دیگری از محیط پیرامون کعبه سخن به میان آورده و آن واژه «مسجد الحرام» است. مسجدی که بسیار محترم است و در اوج احترام قرار گرفته است. مباحثه‌ای بین علما و دانشمندان است که آیا مسجد الحرام همین منطقه شناخته‌شده‌ای است که دیوارهای خاصی دارد که مؤمنین وقتی وارد می‌شوند از آن درها وارد این مسجد بزرگ

خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان [و] سجده کنندگان پاکیزه دار». این واژگان کشف می‌کند از ارتباط معنوی و عرفانی و بندگی با حضرت حق که در اینجا گنجانده شده است. قرآن عنایت عجیبی دارد که ما کعبه و بیت خدا را با شخصیت متفاوت و جلیل القدر و بسیار با عظمت و حقیقتاً الهام‌بخش حضرت ابراهیم (علیه السلام) بشناسیم. جالب است که بسیاری از آنچه که به عنوان شعائر و حرمت و مناسک حج شناسایی شده و امروز حاجیان ما آن را در برنامه حج انجام می‌دهند و جزو واجبات آنها قرار گرفته است، همه یادآوری خاطرات حضرت ابراهیم (علیه السلام) و خانواده او، حضرت اسماعیل (علیه السلام) و حضرت هاجر است. تعبیر زیبای قرآن درباره مقام ابراهیم (علیه السلام) این است: «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامٌ

شده، در طوفان نوح آسیب می‌بیند و تخریب می‌شود، ریشه‌هایی از آن باقی می‌ماند. سپس حضرت ابراهیم (علیه الصَّلاه والسَّلام و علی نبینا و آله و علیه السَّلام)، مأمور بازسازی این مکان مقدس می‌شود. خداوند متعال اینجا را به او نشان می‌دهد: «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ؛ [6] وَ چون برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم». به این ترتیب حضرت ابراهیم (علیه السلام) همراه با حضرت اسماعیل (علیه السلام) مأموریت پیدا می‌کند خانه خدا را تجدید بنا کند. قرآن کریم اصرار دارد که ما این ریشه را با انبیا بشناسیم. جالب است که در همان مبانی هم به ما یادآوری می‌شود که این خانه محل طواف، اعتکاف، نماز، قیام، سجود و رکوع کنندگان و سجده کنندگان و معتکفان است: «وَوَطَّئِرُ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ؛ [7] و

شناسایی کنید و از آنجا ریشه خود را تا حضرت آدم (علیه السلام) ببینید. پس ریشه حج کاملاً توحیدی و الهی و خدایی است.

۴. مناسک حج، شعائر الهی است نکته چهارم اینکه در آیات قرآنی یک سلسله برنامه‌هایی مطرح شده که از آن به مناسک حج تعبیر می‌کنند. جالب است که در قرآن کریم از این مجموعه گاهی با عنوان «شعائر» تعبیر شده، متنها نه شعائر به تنهایی، بلکه «شعائر الله». گاهی از آن به حرّمات تعبیر شده است: «وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ» [۹] و هر کس مقررات خدا را بزرگ دارد، آن برای او نزد پروردگارش بهتر است». آنچه به عنوان برنامه حج معرفی می‌شود، از نقطه آغاز تا پایان، مجموعه‌ای است که نزد خدای متعال دارای جایگاه ویژه و مورد عنایت است.

إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا؛ [۸] در آن، نشانه‌هایی روشن است [از جمله] مقام ابراهیم است، و هر که در آن درآید در امان است». پس قرآن به ما و امت اسلامی یادآوری می‌کند که حج، قصد خانه خدا و مناسک حج را به عنوان یک برنامه ریشه‌دار توحیدی بشناسیم که همزاد و همراه آدم است. اولین طواف‌کننده کعبه، حضرت آدم (علیه السلام) و حضرت حوا (سلام الله علیها) هستند. با آنها حج شروع شده است و انبیا نگهدارنده، سازنده و آبادکننده این خانه هستند. بعد نسبتش را به صورت ویژه به حضرت ابراهیم (علیه السلام) بیان می‌کند. به همه یادآوری می‌کند که شما به عنوان امت اسلامی، ریشه توحیدی خود را با همه انبیا تعریف کنید و در این نسبت به ویژه با جناب حضرت ابراهیم (علیه السلام) - که موحد و پرچم‌دار توحید و بت‌شکن و غیور است -

۵. کعبه، خانه مردم است

بعد از اینکه واضح شد که این بیت، بیت و خانه خدا است و دارای حرمت و جایگاه ویژه‌ای است که مسجدالحرام است و با آدم (علیه السلام) و تمام پیامبران نسبت دارد و تمام تاریخ ما را به عنوان یک تاریخ مملو از اشراق الهی و توحید یادآوری می‌کند، به یک کلید واژه دیگر می‌رسیم. عرض کردیم که مجموعه آن برنامه‌ها با انبیا، مخصوصاً با حضرت ابراهیم (علیه السلام) شناخته می‌شود و این برنامه‌ها با تعبیر شعائر و حرمت الهی مورد عنایت خاص خداوند متعال است. این خانه با همه این ویژگی‌ها و مختصات و آثار باطنی و ارتباطی که با بیت المعمور [۱۱] و افاضه‌های خاص و اشراق انوار و نزول رحمت و برکت الهی دارد، خانه مردم شده و جالب است که در آیات مربوط به حج، دائماً با کلمه «ناس» مواجه می‌شوید.

به شما یادآوری می‌شود که این مجموعه، نشانه‌ها، علائم و حکایاتی هستند که مورد عنایات خاص خدا هستند که از آن به شعائر الله تعبیر می‌شود «وَمِنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» [۱۰] این است [فرايض خدا] و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاک‌ی دل‌ها است». تعبیر «شعائر الله» و «حرمت الله» راجع به مجموعه برنامه حج و نسبت آنها با بیت، ترکیب بسیار زیبایی را درست می‌کند تا دائماً این برنامه جلوی چشم مسلمانان و مؤمنان بیاید و همواره یاد موحدان را به صورت چشم‌نواز و دل‌نواز در نظر داشته باشند. مجموعه برنامه و مناسکی که در حج تعبیه شده، با این واژه‌ها شناخته می‌شود.

متعال وعده عذاب داده است. متأسفانه در جریان حج شاهد به وجود آمدن این نگاه طبقاتی هستیم. شاید اتفاقی که در منا رخ داد به همین نکته برگردد. در سال‌های گذشته هم این را داشتیم، نه تنها برای آنها، بلکه برای شاهزاده‌ها و مهمانان خاصشان این مسخره‌بازی‌ها و ظلم بزرگ را مرتکب می‌شوند. قرآن کریم می‌گوید در آنجا «العاکف و الباد» با هم فرق نمی‌کنند و همه باید احرام ببینند. جای دیگر می‌فرماید: «ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ؛ [۱۴] پس، از همانجا که [انبوه] مردم روانه می‌شوند، شما نیز روانه شوید». در زمان جاهلیت برخی برای خود جایگاه خاصی تعریف کرده بودند و گفته بودند کسانی که از بیرون می‌آیند، از یک مسیر بروند و کسانی که آنجا ساکنند، برای خودشان جای مستقلى داشته باشند. گویا خود را مالک

که رب الناس است شناخته می‌شوند. شاه و گدا و دارا و ندار و عالم و جاهل، هرکس که به آنجا وارد می‌شود، فقط یک عنوان دارد: بنده خدا. همه با هم یکسانند. تأکید شده چه آنها که آنجا ساکنند و چه کسانی که از جای دیگر وارد می‌شوند، با همدیگر هیچ تفاوتی ندارند.

۶. همه در حج یکسان هستند

ادامه آیه کریمه، جمله خیلی تکان‌دهنده‌ای دارد و آن این است: «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظَلَمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؛ و هر گه بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود، او را از عذابی دردناک می‌چسانیم». به ما پیام می‌دهد که ممکن است بالاترین ستم‌ها در این مکان مقدس انجام شود و انحرافی که می‌تواند آنجا رخ دهد، عبارت است از اینکه در آنجا یک جریان طبقاتی شکل بگیرد و اینجا است که خدای

بیت می‌شوند که اینها نمادهای شرک و شیطان است، متتها در قالب‌های جدید. حال آنکه آنجا کانون توحید است و همه آنها باید برداشته شود. یا گاهی با ماشین مخصوص خود به مسجدالحرام می‌آیند که نهایت انحراف است. قرآن یادآوری می‌کند که: «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؛ وَهَرَّكَهَ بِخَوَاهِدٍ فِي أَنْجَابِهِ سَتْمٌ [از حق] منحرف شود، او را از عذابی دردناک می‌چشانیم». خدا ان شاء الله عذاب خود را به آل سعود خواهد چشاند.

۷. مکه به همه حاجیان تعلق دارد

جالب است آنهایی که معنای مسجدالحرام را به همه مکه توسعه می‌دهند، می‌گویند که خانه‌های مکه متعلق به همه است و اصلاً کسی آنجا مالک نیست. در یوم الموعود و ایام ظهور - که ان شاء الله آن روز را ببینیم - مکه خانه همه

آنجا می‌دانستند. قرآن صریحاً به آنها می‌گوید شما باید از جایی بروید که همه از آنجا می‌روند؛ نه اینکه برای خود مسیر اختصاصی درست کنید. متأسفانه شاهد این جاهلیت مدرن در حکام آل سعود هستیم. این جاهلیت ثانی در اتمداد آن جاهلیت اولی است. قرآن کریم اشاره می‌کند اگر کسی بخواهد آنجا تفکیک طبقاتی درست کند، ظلم بزرگی را مرتکب شده است. یک نمونه آن را در جریان منا دیدید که این ظلم بزرگ باعث چه فاجعه عظیمی شد و دل‌های مسلمانان را در سراسر جهان داغدار کرد.

در کنار مسجدالحرام روی کوه ابوقییس - که یکی از نمادها و نشانه‌های اسلامی است - یک قصر عجیب و غریبی ساخته‌اند که در آنجا مهمانان خاندان سعودی تحت شرایط خاصی وارد شوند. بعد تحت حفاظت ویژه‌ای وارد محیط

الْأَمِينِ؛ [۱۵] و این شهر امن [و امان]، چقدر این تعبیر قشنگ است!

حضرت ابراهیم (علیه السلام) از خدای متعال می‌خواهد که آنجا را سرزمین امن قرار دهد: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا؛ [۱۶] پروردگارا این [سرزمین] را شهری امن گردان». قرآن در جای دیگر نیز می‌فرماید: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمِنًا»، باز تعبیر امن را به کار برده است. کاربرد این واژه و مشتقاتش درباره حج، این نکته کلیدی را یادآوری می‌کند که این منطقه که بیت الله و مسجدالحرام است و برای مردم است، همه در آن به صورت مساوی از یک ویژگی خاص برخوردار هستند و آن، برخورداری از «امنیت» است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا؛ [۱۷] و هر که در آن درآید در امان است». هرکس وارد این حرم و منطقه شود،

می‌شود. کسی بخواهد آنجا را اجاره دهد یا ساکن شود یا بگوید من اینجا مالکم، از این خبرها نیست. آنجا لئاس است، برای همه است، متعلق به همه است. امیرالمؤمنین (علیه الصلاه والسلام) در نهج البلاغه به استنادار مکه دستور می‌دهد که خانه‌ها را به روی همه باز کند و حیاط خانه‌ها در ایام حج متعلق به هر کسی است که حاجی می‌شود.

غرض آنکه آیه به ما می‌گوید مکه جایی است که باید همه امتیازات برداشته شود و همه یکپارچه، رنگ توحیدی و خدایی پیدا کنند و با آن لباس یکسان و کیفیت یکپارچه به انجام مناسک پردازند.

۸. مکه شهر امن الهی است

نکته بعدی که خیلی جالب و مورد تأکید است، مسئله امنیت و امن است. شهر مکه با عنوان «الْبَلَدِ الْأَمِينِ» معرفی می‌شود: «وَهَذَا الْبَلَدِ

از ابتدا شاهد برخوردهای غضب‌آلود و زشت هستید. حتی کسی که در وضعیت عادی وارد می‌شود، از لحظه ورود با برخوردهای نامناسب آنها روبرو می‌شود و در جای جای حرم، مسجدالحرام و مسجدالنبی، شاهد برخوردهای زشت و نسنجیده خواهد بود. بگذریم، خدای متعال این حرم را حرم امن معرفی می‌کند تا یادآوری شود که اینجا برای همه مردم است، بدون هیچ امتیازی، و هرکسی که وارد اینجا شد، بنده خدا و مهمان او است؛ پس باید بتواند در اوج احترام و امنیت و در کمال آرامش، مناسکش را انجام دهد. خدای متعال را قسم می‌دهم به حق حضرت عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و به حقیقت آن حضرت که هرچه سریع‌تر فرج آن حضرت را برساند تا ان‌شاءالله شاهد حج حقیقی پرسود و پرمفعت برای عالم اسلام باشیم.

در حصن حصین الهی قرار می‌گیرد و این منطقه برای او امن و امان است؛ لذا باید کاملاً در آرامش به سر ببرد. نه فقط مردم، بلکه حیوانات هم چنانچه وارد این حرم شوند، در امانند؛ حتی گیاهان این منطقه و درختانش هم در امانند؛ یعنی احترام ویژه‌ای پیدا می‌کنند، چون به آغوش حق و خانه خدا آمده‌اند و در محیط ویژه‌ای قرار گرفته‌اند. اینجا احکامی دارد که در جای خود محل بحث است. پس کسانی که مدیریت حج را به عهده دارند، باید امنیت و آرامش آنجا را تأمین کنند. با این حال کسانی که به حج و عمره مشرف می‌شوند، همه احساس ناامنی می‌کنند. مدیریت بی‌کفایت آل سعود نتوانسته است آنجا را آرام کند. از لحظه‌ای که وارد می‌شوید، نگرانید. در جایی که نمی‌توانید پشه بکشید، جرتقیل و پنکه سقفی پایین می‌آید!

منابع و مآخذ

اسماعیل را امر فرمود تا خانه کعبه را روی همان اساس‌ها و پی‌ها بسازند و بالا ببرند. و بیت عتیق به این جهت نامیده شد، چون از غرق آزاد شد (و نجات داده شد)». شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۸۵. توضیح آنکه مراد از غرق، غرق به هنگام طوفان حضرت نوح (علیه السلام) است، و «عتیق» یعنی آزادشده.

[۵]. آل عمران: ۹۶.

[۶]. حج: ۲۶.

[۷]. همان.

[۸]. آل عمران: ۹۷.

[۹]. حج: ۳۰.

[۱۰]. همان: ۳۲.

[۱۱]. یکی از مفاهیمی که در قرآن وارد شده، اصطلاح

[۴]. در سوره حج آیه ۲۹ آمده است: «وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ و بر گرد آن خانه کهن طواف به جای آورند». ابو خدیجه گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: چرا کعبه بیت عتیق نامیده شده است؟ حضرت فرمود: «خدای عزوجل حجر اسود را برای آدم از بهشت فرو فرستاد، و بیت، یک درّ سفید بود و خدا آن را به آسمان برد، و اساس و پی آن باقی ماند، پس اساس آن درست مقابل آن بیت است، که هر روز هفتاد هزار فرشته در آن وارد می‌شوند و دیگر به آن بر نمی‌گردند. و خدا ابراهیم و

«بیت‌المعمور» است که در آیه ۴ سوره طور آمده است. در بین مفسرین در معنای بیت‌المعمور بحث و گفتگو صورت گرفته و دیدگاه‌های مختلفی ارائه گردیده است. ر.ک: ویکی فقه.

[۱۲]. مائده: ۹۷.

[۱۳]. حج: ۲۷.

[۱۴]. بقره: ۱۹۹.

[۱۵]. تین: ۳.

[۱۶]. بقره: ۱۲۶.

[۱۷]. آل عمران: ۹۷.



افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت
OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

اشنبه‌ها ساعت ۱۸

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

